



انترناسیونال

۳۱۸

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۲۴ مهر ۱۳۸۸، ۱۶ اکتبر ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

صفحه ۷

کانال جدید به هات برد بازگشت

فراخوان اعتراض جهانی علیه اعدام گفتگو با مینا احدی



مینا احدی

صفحه ۳

شده بود و بعد از ۱۸ سالگی از نظر جانین آماده به قتل رسیدن بود و علیرغم اعتراضات وسیع در دنیا و اعتراض گسترده در ایران، او را اعدام کردند. در همین هفته علیه اعدام یعنی روزهای سه شنبه و پنجشنبه پنجم و هشتم اکتبر نیز در خوزستان دو زن و چهار مرد بدون اینکه از قبل کسی خبری داشته باشد، اعدام

انترناسیونال: کمیته بین المللی علیه اعدام، فراخوان به یک حرکت بین المللی علیه اعدام داده است. چرا؟
مینا احدی: این فراخوانی است برای مقابله با اعدامهای بیشتر در این هفته. ما روز ۱۱ اکتبر شاهد جنایت سبعانه حکومت اسلامی و قتل یهنود شجاعی بودیم. نوجوانی که در سن زیر ۱۸ سال، مرتکب جرم



محسن ابراهیمی

مقابل برای جلوگیری آن، قالبی برای پاسخ دادن به مسائلی بنیادی تر است. مسائل مربوط به تقابل دو قطب تروریسم جهانی بعد از پایان جنگ سرد و مشخصا بعد از ۱۱ سپتامبر. مسائل غرب و مشخصا آمریکا که با پایان جهان دو قطبی روی میز کاخ سفید و متحدین غربی اش تلنبار شده اند و هر روز بغرنجتر شده اند از یکطرف و مسائل و معضلات جنبش اسلامی و در راس آن جمهوری اسلامی از طرف دیگر (جنبش و مشخصا حکومتی که زمانی از تبدیل شدن به تنها سرکرده جهان بعد از جنگ سرد کوتاه نمی آمد و اصلا میخواست پرچمش را در خود کاخ سفید به اهتزاز در آورد در حالیکه امروز به یک جنبش متشتت تبدیل شده است و حکومتش مثل یک لاشه گندیده روی دستانش مانده است).
این بار هم، مثل همیشه، شروع جنجال اتمی، غرشی در آسمان بی ابر نیست. نه سکوت اتمی دیروز و نه غوغای اتمی امروز، هیچکدام و از جانب هیچ یک از طرفین اتفاقی نبوده اند و نیستند. علیرغم ظاهر اتفاقی قضیه، همه چیز از منطق و اهداف

بعد از سکوتی طولانی، ناگهان بحث پروژه اتمی ایران داغ شد. زیر کوههای قم تاسیسات جدید کشف شدند؛ یا تاسیساتی که قبلا کشف شده بودند اکنون افشا شدند. دیدارها راه افتادند و مذاکرات از سر گرفته شدند؛ حدسها و گمانها و پیش بینیها و نگرانیها مجددا رواج یافتند و البته طبق معمول سرمقاله ها و گفتگوهای زیادی به کشمکش اتمی حکومت اسلامی اختصاص داده شدند.
هر وقت مسئله اتمی ایران داغ میشود، مجددا سئوالات مشابهی در مقابل چشمانمان رژه میروند. چرا دوباره جنجال بر سر پروژه اتمی راه افتاده است؟ علل کشمکش هسته ای چیست؟ چقدر ادعاهای ظاهری دو طرف برسر این مسئله معتبرند؟ در واری ادعاهای پشت دوربینها، چه حقایقی در پشت صحنه جریان دارد؟ غرب چه اهدافی را دنبال میکنند؟ جمهوری اسلامی چه اهدافی را تعقیب میکند؟ فرجام این کشمکش چه خواهد شد؟ راه حل مشکل اتمی جهان علی العموم و راه واقعی جلوگیری از اتمی شدن حکومت اسلامی چیست؟ این ها سئوالات پایه ای و مهمی هستند که در همین نشریه، چه در قالب بیانیه ها و قطعنامه های حزب و چه در مقالات رهبری حزب به جوانب مختلف آنها بارها پرداخته شده است. پاسخ این سئوالات تا آنجاییکه فاکتورهای پایه ای تغییر نکرده اند همانها هستند که قبلا داده شده است. دریک نگاه کلی و پایه ای، مسئله هسته ای ایران، تلاش جمهوری اسلامی برای اتمی شدن و تلاش طرف

صفحه ۲

دیدار مینا احدی و فرشاد حسینی با مسئولین پارلمان اروپا

صفحه ۳

در صفحات دیگر:

صدای زندگی در میدان ترافالگار : گزارشی از جلیل جلیلی
تجمع اعتراضی کارگران خباز شهر سقز

* مهاجرانی و کشتارهای سال 67

* قطع یارانه ها، تعرضی که باید ...

* سپاه مافیا

* دستگاههای پخش پارازیت عامل بیماریهای

خطرناک

* رقص عروس بی حجاب در قم و لرزش پایه

های حکومت

بازتاب هفته

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **جنجال اتمی هم ...**

سیاسی روشنی نشات میگیرد. آمریکا و متحدینش نمیخواهند اجازه بدهند جمهوری اسلامی - البته در شکل و شمایل کنونی اش - اتمی شود. جمهوری اسلامی هم مصمم است به بمب اتم مسلح شود. هر دو طرف هم البته به دلایلی کاملاً قابل فهم سیاسی.

آمریکا و متحدینش:

آمریکا نمیخواهد و نمیتواند بگذارد جمهوری اسلامی به سلاح اتمی مسلح شود (مگر اینکه جمهوری اسلامی اهلی شود؛ یعنی به یک حکومت اسلامی علناً طرفدار غرب دگرپذیری کند که البته این یک تناقض در خود و یک فرض محال است). اتمی شدن جمهوری اسلامی یعنی مسلح شدن یک شاخه مهم و دولتی جنبش اسلامی به سلاح اتمی، یعنی افزایش قدرت مانور جمهوری اسلامی در منطقه و جهان، یعنی بهم خوردن توازن سیاسی منطقه به ضرر آمریکا و متحدین سنتی اش در منطقه، یعنی دراز شدن زبان جمهوری اسلامی، یعنی تیز شدن چاقوی لات محل برای وصول باج ریش در منطقه و به زبان سیاسی مشخص یعنی باز شدن دست جمهوری اسلامی برای موش دوانی بیشتر در عراق و افغانستان و کشورهای دیگر منطقه.

اگر چه در دراز مدت و به طور استراتژیک، نفع آمریکا در این است که جمهوری اسلامی با یک حکومت علناً طرفدار غرب جایگزین شود اما بر متن این هدف استراتژیک، اهلی کردن و مهار کردن همین جمهوری اسلامی همچنان در دستور غرب است. مخصوصاً با توجه به کابوس سرنگونی انقلابی توسط مردم و امکان عروج چپ و کمونیسم، رام کردن حکومت اسلامی موضوعیت بیشتری پیدا کرده است. اگر قبلاً میشد با این توهم و تصور پوچ و خوش خیالانه سرگرم شد که جنبش اسلامی و حکومت اسلامیش را مثلاً میشود با روضه خوانی اوایما در مصر و سفره افطارش در کاخ سفید مهار کرد، اما جمهوری اسلامی اتمی شده را دیگر حتی اگر اوایما و سارکوزی و گوردن براون هر سه عمامه بر سر بگذارند هم نمیتوان مهار کرد.

به خاطر بیابورید که در سال

۲۰۰۷، سالی که هنوز کابوی کاخ سفید سوار بر اسبش در آمریکا یک تازی میکرد و دو طرف برای مدتی سایه همدیگر را با تیر میزدند، یکدفعه بالاترین نهاد امنیت ملی آمریکا کاشف به عمل آورد که اصلاً جمهوری اسلامی از سال ۲۰۰۳ هرگونه اقدام برای غنی سازی و ساختن بمب اتم را کنار گذاشته است. این صاف و ساده تئوریک بود که راه انداخته بودند تا در آن ریش یک قطب تروریسم جهانی توسط قطب دیگرش چرب شود و راه مامشات باز شود. پرده های دیگر این تئاتر، حضور نمایندگان دو قطب در میز مذاکره برای باصطلاح استقرار امنیت و صلح در عراق بود آنهم توسط کسانی که خودشان خیابان و مدرسه و محل کار در عراق را به کشتارگاه تبدیل کرده بودند. امروز هم در اصل همان قطب تروریستی با همان اهداف قدیمی دنبال راهی برای معامله با جمهوری اسلامی است.

افشای تاسیسات غنی سازی قم توسط اوایما در معیت سارکوزی و گوردن براون، درست ۵ روز پیش از اجلاس ژنو، کارتی بود که روی میز انداختند تا در اجلاس ژنو از موضع قدرت با جمهوری اسلامی سازش کنند. یک کلک تاکتیکی بود برای این که در مذاکرات ژنو دست بالا را داشته باشند. اما اینکه چرا درست در مقطعی که قرار بود اوایما وارد ماه عسل با جمهوری اسلامی شود یکباره سایت اتمی اش را افشا میکند و هیزم بیار تنور کشمشک اتمی میشود، مربوط به بحران سیاسی داخلی ایران است. صاف و ساده روی این واقعیت حساب کرده اند که جمهوری اسلامی هنوز از ضربات خرداد و تیر تلو تلو میخورد و تا به خودش نیامده باید سراغش رفت به عقب نشینی وادارش کرد. عملاً هم اینچنین شد. قرار شد بازرسان سازمان انرژی اتمی سازمان ملل وارد سایت قم شوند و همچنین قرار شد غنی سازی بیست درصدی اورانیوم هم در خاک روسیه به اتمام برسد. و البته همه اینها در غوغای طبل و دهل یک پیروزی دیگر " برای اسلام علیه کفر پیش رفت.

جمهوری اسلامی

زمانی، پروژه اتمی (یعنی همان تلاش برای تولید سلاح اتمی تحت

لوای مقاصد صلح آمیز)، برای جمهوری اسلامی یک پیشروی بیشتر در قلدری سیاسی منطقه ای، یک ابزار جدیدتر برای ابراز قدرت بیشتر، یک امکان جدیدتر برای بازی کردن نقش برتر در معادلات سیاسی جهانی بود. با سلاح اتمی، راه جمهوری اسلامی برای ایفای نقش قدرتمندتر به عنوان یک قطب تروریسم جهانی هموارتر میشد. این زمانی بود که هم جنبش اسلامی و هم حکومت اسلامی به مشابه رکن مهم این جنبش در موقعیت متفاوتی از آنچه که امروز در گیرش هستند قرار داشتند. جمهوری اسلامی در جهان خود را به مشابه علمدار مردم فلسطین و رهبر مستضعفین جهان جا زده بود و در ایران با مصافی در ابعاد چند ماه اخیر مواجه نشده بود. امروز، مخصوصاً بعد از جنبش انسانی و انقلابی مردم در پیش چشمان حیرت زده مردم جهان، جمهوری اسلامی به یک موجود منفور و نامشروع و مستاصل و درمانده تبدیل شده است که فقط به زور و ضرب گلوله و تجاوز و جنایت میتواند روی پاهایش بایستد. برای خود سران حکومت اسلامی هم روشن است که بازی اتمی امروز بیشتر یک بازی دفاعی است. یک ریسمان پوسیده برای آویزان شدن است. راهی برای اجتناب از آینده تیره جنبش اسلامی و حکومت اسلامی است.

در ایران جنبشی انقلابی به عظمت یک جامعه عروج کرده است. جنبشی برای سرنگونی کامل حکومت اسلامی. این جنبش در عین حال، احترام مردم جهان به خودش و نفرت مردم جهان علیه دشمنش یعنی جمهوری اسلامی را برانگیخته است. امروز جمهوری اسلامی به یمن همین جنبش نه فقط در ایران بلکه در پیش مردم جهان هم نامشروع است. هدف بلافاصله و کوتاه مدت جنجال اتمی این بار، از جمله این بود که توجه مردم جهان که با نفرت به جمهوری اسلامی نگاه میکنند و با احترام از مردم انقلابی ایران یاد میکنند از این مبارزه و این بحران منحرف شود.

جمهوری اسلامی که خوب میدانند بمب اتم نمیتواند سنگرهای خیابانی را بکوبد، تصور میکرد - مثل همیشه ابلهانه - که با جنجال اتمی در جهان حد اقل میتواند صدای این سنگرها را برای مدتی

خفه کند. جمهوری اسلامی که در یک نبرد رویاروی با مردم، علناً نامشروع اعلام شده بود تصور میکرد با عکس گرفتن دلالتش با دلالتان غرب در ژنو میتواند ژست مشروع به خود بگیرد. جمهوری اسلامی که طنین مرگ بردیکتاتور ریشه بر پیکرش انداخته بود، روی این حساب کرده بود که با حضور در ژنو، خواهد توانست تصویر یک حکومت مرده و از هم گسیخته را با یک حکومتی که طرف حساب دول غرب است جایگزین کند. روی این حساب کرده بود که به مردم جهان بباوراند که علیرغم زمین لرزه بزرگ سیاسی در ایران، جمهوری اسلامی عموماً و باند خامنه ای - احمدی نژاد خصوصاً هنوز در سطح جهانی طرف حساب هستند. یعنی مشروعند. در حقیقت، جمهوری اسلامی تلاش کرد از پشت میکروفون اجلاس ژنو، برای حکومت نامشروعش، مشروعیت بخرد. از نقطه نظر حکومتی که زیر هجوم مردمی خشمگین و مصمم و معترض از پرتگاهی سیاسی آویزان است، اجلاس ژنو و خوش و بش با نمایندگان دول غرب، مذاکره به نام مردم ایران، یعنی همان مردمی که قصد بزیر کشیدنش را دارند نقش یک چنگک را داشت که میشد به آن آویزان شد. بیدلیل نیست که احمدی نژاد پیشنهاد کرده است که مذاکرات ایران با پنج عضو دائمی شورای امنیت و آلمان، تا سطح سران اتفاق یابد. این یعنی احمدی نژادی که عکسش در ایران پاره میشود و مردم میخواهند از تختش پایین بکشند، هنوز در خارج از ایران رئیس جمهور است و با اوایما و سارکوزی و گوردن براون و انجلا مرکل میتواند عکس بگیرد. این یعنی کسی که با یک دستش طناب دار را بالا میبرد با دست دیگرش میتواند به طناب دول غرب آویزان شود.

این وسط، اسلام سیاسی شکست خورده، روی "هیجان ناسیونالیستی" مردم هم حساب باز کرده است. از نقطه نظر اینها، کشمشک اتمی میتواند این "هیجان ناسیونالیستی" را از زیر دست و بال جنبش ناسیونالیستی جمع کند و در جیب جنبش اسلامی بریزد. اما تنفر و ضدیت با حکومت اسلامی در ایران آنچنان قدرتمند و آنچنان عظیم است که هیچ ژست ناسیونالیستی هم نمیتواند گوشه ای از این تنفر را تحت الشعاع قرار دهد. مخصوصاً که این نفرت ضد حکومتی امروز دیگر فقط یک احساس

ساده نیست بلکه یک نیروی سیاسی رزمنده است که تا دم دروازه کاخ حکومت اسلامی رسیده است.

راه حل دست کیست؟

میتوان و باید به این کشمشک و کابوس اتمی شدن حکومت اسلامی نقطه پایان گذاشت. اما بی تردید راه رهایی از این کابوس نه در شورای امنیت، نه در مذاکرات و مامشات و رجزخوانیهای دو قطب تروریستی نیست. نه پروپاگانداي غرب در باره خطر سلاح هسته ای معتبر است و نه ننه من غریب بازیهای جمهوری اسلامی که گویا اهدافش صلح آمیز است. اینها هر دو جزئی از مسئله ای به نام کابوس اتمی در جهان هستند. آمریکا که خود مسئول مستقیم کشتار اتمی در تاریخ تانکونی است و جمهوری اسلامی هم که حتی بدون سلاح امتیاز جز خون و کشتار معنایی ندارد و از این کابوس تغذیه سیاسی میکند. (معرضه بگویم، مثل همه موارد دیگر، در زمینه کابوس اتمی هم کل حکومت اسلامی جزئی از مسئله است نه جناحی از آن. احمدی نژاد و باند خامنه ای که با رویای کلاهک هسته ای بر سر شهاب ۳ و به آتش کشیدن مردم اسرائیل هر شب سر بر بالین میگذارند. جناح رقیبش هم دست کمی از همین باند ندارد. رفسنجانی که مثلاً به جناح اهل بیت جمهوری اسلامی تعلق دارد، هشت سال پیش گفته بود: "آنجار بمب اتم در داخل اسرائیل هیچ چیز باقی نمیگذارد اما در دنیای اسلامی آسیب فقط میزند و این اتفاق دور از عقل نیست!" جنون اسلامی از ایدئولوژی و نیازهای سیاسی جمهوری اسلامی بر میخیزد چه اصلاح طلب و چه اصولگرا.) راه حل جهان بدون کابوس سلاح اتمی نمیتواند در دستان دو طرفی باشد که یکی با همان چکمه های خونین از کشتار هیروشیما و ناکازاکی، روی هشتاد درصد زرادخانه اتمی جهان راه میرود و دیگری میخواهد ذولفقار خونین علی را با کلاهک اتمی بر سر شهاب ۳ جایگزین کند. کلید جهان بدون سلاح اتمی در دست جنبشی و نیرویی قرار داد که امنیت همه انسانها فلسفه سیاسی اش است، که نیازی به نسل کشی ندارد. این نیرو و این جنبش قطب سوم، قطبی در مقابل هر دو قطب تروریستی است. قطبی است که اکثریت مردم صلحدوست جهان به آن تعلق دارند.

یک سر فعال و قدرتمند این قطب سوم، مردم ایران، اتفاقاً نبردی عظیم و همه روزه با یکی از طرفهای این کشمشک اتمی، یعنی جمهوری اسلامی

گزارش دیدار مینا احدی و فرشاد حسینی با مسئولین پارلمان اروپا

روز پنج شنبه ۱۵ اکتبر مینا احدی و فرشاد حسینی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام با مقامات و مسئولین پارلمان اروپا در بروکسل داشته و در خصوص وضعیت اعدامها در ایران و صدور احکام اعدام علیه پنج نفر به اتهام شرکت در تظاهرات و همچنین احکام اعدام علیه نوجوانان و دو حکم سنگسار بر علیه دو زن در تبریز دیدار و گفتگو داشتند.

این گفتگوها در ۴ بخش جداگانه با یک هیئت از طرف رئیس پارلمان اروپا، دبیر بخش کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا، مسئول کمیته آزادی و عدالت مدنی و حقوق زنان و برابری جنسی انجام گرفت. در این گفتگوها مینا احدی و فرشاد حسینی ضمن ارائه آخرین اخبار و اطلاعات در خصوص موج اعدامها در ایران و صدور احکام اعدام برای شرکت کنندگان در تظاهراتهای اخیر ایران و همچنین نوجوانانی که قرار

است در ۲۱ اکتبر اعدام شوند و خطر اعدام و سنگسار دو زن در ایران، خواهان اقدامات جدی و عاجل پارلمان اروپا برای اعتراض و اعمال فشارهای هر چه بیشتر به جمهوری اسلامی شدند. هیئت رئیسه پارلمان اروپا ضمن استقبال از این دیدار اظهار داشت که ما تاکنون از اخبار دقیق میزان اعدامها و صدور احکام اعدامها اطلاع نداشتیم و این اطلاعات به پارلمان اروپا کمک میکند که موضع قاطعتری را در خصوص نقض حقوق بشر در ایران اتخاذ کند. وی همچنین اطلاع داد که قرار است هفته آینده به مناسبت بیستمین سال تصویب کنوانسیون حقوق کودکان یک جلسه ویژه و فوق العاده ای در استراسبورگ فرانسه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران داشته باشیم که اطلاعات شما میتواند برای این جلسه و در صدور قطعنامه در محکومیت جمهوری اسلامی

سودمند واقع شود. وی همچنین توصیه کرد که کمیته بین المللی علیه اعدام نامه ای را همراه با بسته حاوی آخرین اطلاعات مربوط به اعدامها در ایران برای پارلمان ارسال کند تا براساس آن نامه قطعنامه پارلمان علیه جمهوری اسلامی تنظیم شود. همچنین مینا احدی و فرشاد حسینی در ملاقات با مسئولین کمیسیون حقوق بشر و کمیته آزادی و عدالت مدنی و حقوق زنان به مسئله شکایت کمیته بین المللی علیه اعدام به دادگاه بین المللی جنایی لاهه اشاره کرده و خواهان این شدند که پارلمان اروپا نیز ضمن حمایت از این اقدام راهها و امکانات طرح شکایت علیه جمهوری اسلامی را بررسی کند. در این ملاقاتها به ویژه تاکید شد که صدور قطعنامه و نامه محکومیت علیه جمهوری اسلامی اگر مهم اما به تنهایی کافی نمیباشد و پارلمان اروپا براساس تعهدات و

وظایف خویش باید اقدامات جدی تر و عملی تری را برای مقابله با جمهوری اسلامی اتخاذ کند. بطور مشخص پیشنهاد شد که پارلمان اروپا اعلام کند تا زمانیکه جمهوری اسلامی سنگسار و اعدام کودکان و نوجوانان را بطور کامل و قطعی ممنوع نکند هر گونه صدور ویزا و سفر به اروپا را برای کلیه مسئولین و مقامات رژیم ایران تعلیق کند. این مسئولین اظهار داشتند که این پیشنهادات را مورد بررسی و تحقیق و تصمیم گیری قرار خواهند داد.

همچنین در این ملاقاتها به ۳۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام در ایران اشاره شد و خواهان حمایت پارلمان اروپا از این کمپین از طریق برگزاری سمینار سخنرانی و کنفرانس مطبوعاتی با حضور مسئولین پارلمان اروپا و کمیته بین المللی علیه اعدام در محل پارلمان اروپا و یا در شهر لاهه شدند که قرار شد در این خصوص نیز هماهنگی های لازم

بعمل آورده و ما را مطلع کنند. مینا احدی و فرشاد حسینی در حاشیه این ملاقاتها با تعداد دیگری از نمایندگان پارلمان اروپا دیدار و گفتگوهای کوتاهی انجام دادند. کمیته بین المللی علیه اعدام به هر طریق ممکن تلاش میکند صدای اعتراض میلیونی مردم علیه این حکومت ترور و جنایت را به گوش دنیا رسانده و از مبارزه انقلابی مردم علیه رژیم جنایتکار اسلام حمایت های هر چه وسیعتری جلب کند. کمیته بین المللی علیه اعدام همچنین با تمام قوا میکوشد اخبار و اطلاعات مربوط به اعدامها در ایران را به سازمان های بین المللی و مجامع حقوق بشری دنیا ارسال کرده و مصرانه خواهان اعمال شدیدترین برخوردهای سیاسی و دیپلماتیک با ایران میباشد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۶ اکتبر ۲۰۰۹

از صفحه ۱ فراخوان اعتراض جهانی ...

شدند. اکنون جمهوری اسلامی ایران یک لیست از کودکان و نوجوانان را دارد که میخواهد فوراً اعدام کند، دو زن در آستانه سنگسار هستند و پنج نفر به اتهام شرکت در تظاهراتها در لیست اعدامهای فوری قرار دارند.

انترناسیونال: فراخوان شما برای چه روزی است و تا این تاریخ چه اقداماتی انجام داده یید و چه اقداماتی در دستور دارید؟

مینا احدی: ما روز ۳۰ اکتبر را روز بین المللی يك اعتراض متحدانه و جهانی اعلام کرده ایم. از نظر ما جنبش علیه اعدام يك جنبش قوی و بسیار مهم بر علیه حکومت اسلامی است. الان جمهوری اسلامی ایران با این موج جدید اعدامها میخواهد در مقابل میلیونها نفر زن و مرد و جوانی بایستد که به این حکومت گفته اند، بساط خودت را جمع کن و برو. حکومت دارد دست و پای آخر را میزند و به هر جنایتی دست میزند. در ابتدای دستگیریها، سعی کرد با شوک ایجاد کردن و دستگیری و تجاوز و یا قتل بیرحمانه جوانان در زندانها، بقیه را بترساند. این روش همه حکومتهای دیکتاتور و از جمله

که فعالین علیه اعدام و مردم معترض میتوانند تجمع کنند. ما از مردم در ایران دعوت میکنیم که بهر طریق ممکن اطلاع رسانی کنند و در مراکز شهرها در ایران علیه اعدام تجمع کنند. ما از مادرانی که هر هفته در پارک لاله و مراکز دیگر تجمع میکنند دعوت میکنیم از این حرکت اعتراضی دفاع کرده و در آن سهمیه شوند. از هنرمندان و فعالین حقوق انسانی و از همه نهادها دعوت میکنیم به این حرکت بپیوندند.

انترناسیونال: آیا با دولتتها هم تماس گرفته اید؟ مثلاً با اتحادیه اروپا و سازمان ملل و عفو بین الملل و نهادهای حقوق بشری دیگر؟

مینا احدی: ما پنجشنبه يك هیئت از پارلمان اروپا و رئیس پارلمان اروپا را ملاقات کرده و با آنها این موضوع اعتراض جهانی را مطرح خواهیم کرد. در عین حال به همه نهادهای مدافع حقوق انسانی و از جمله امنستی نامه ارسال کرده و از آنها درخواست همکاری خواهیم کرد. ما به شخصیت های مطرح و ضد رژیم اسلامی نیز نامه نوشته و خواهان همکاری شده ایم. این يك حرکت مهم است و ما باید بتوانیم،

از صفحه ۲ جنجال اتمی هم ...

تاریخی را از پیکر جهان بکند و به جایش جامعه ای را بسازد که در آن جان انسان مقدس است؛ که در آن حرمت انسان بر هر منفعت و هر مقدساتی تحت هر نام و هر مذهب و هر ایدئولوژی و هر توجیهی مقدم است. جامعه ای که در آن همه چیز در خدمت سعادت، آرامش، امنیت، رفاه، حرمت، آزادی، اختیار و برابری انسانهاست.*

شده است. کمیته بین المللی علیه اعدام، برای اعتراض به این اوضاع فعالیتهايش را گسترش داده است. در این رابطه چند سؤال برای مینا احدی، مسئول این کمیته فرستاده ایم. مینا علیرغم درگیر بودن شدید و مسافرتها مکرر به خاطر پیشبرد اعتراض علیه این جنایات، پاسخ کوتاهی فرستاده است که در این شماره چاپ شده است. دیدار با مسئولین پارلمان اروپا گوشه ای از این فعالیتهاست که در آخرین لحظات گزارشش به انترناسیونال رسید که در همین شماره ملاحظه میکنید. انترناسیونال.

علیرغم اختلافات سیاسی و یا فکری، همه با هم علیه این ماشین جنایت اسلامی متحدانه حرکت کنیم. امیدوارم بتوانیم يك حرکت موثر جهانی برای جلوگیری از اعدامها در ایران انجام دهیم.*

در هفته های اخیر، ماشین آدمکشی حکومت اسلامی فعالتر شده است. ماشین صدور احکام اعدام شتاب بیشتری گرفته است و تعدادی از محکومان منتظر اعدام، به پای چوبه های دار برده شده اند. همچنین، برای چهار نفر به جرم شرکت در اعتراضات اخیر احکام اعدام صادر

بازتاب هفته

ویراستار: کاظم نیکخواه

مهاجرانی و کشتارهای سال ۶۷



کاظم نیکخواه

در یکی از سایت‌های دوم خردادی در اینترنت مطلبی دیدم با عنوان "مهاجرانی عزیز سپاسگزاریم" و بعد اینطور آمده بود که "موضعگیری صریح دکتر مهاجرانی پیرامون اعدام های دهه شصت که طی آن هزاران تن از فرزندان ملت به قربانگاه‌هایی چون خاوران سپرده شدند، به باور من شایسته تکریم است" و الی آخر بر همین منوال. با خواندن این مطلب که سراپا تقدیر از مهاجرانی بود و القا کننده این بود که گویا او در مورد کشتارهای دهه شصت زبان به افشاکری و انتقاد و غیره گشوده است، کنجکاو شدم که ببینم ایشان چه گفته است. بالاخره با چند بار اینور و آن رفتن در اینترنت نوشته جناب مهاجرانی، معاون رییس جمهوری اسلامی در دوره رفسنجانی و وزیر ارشاد و اطلاعات دوره خاتمی و نماینده سابق چند دوره از مجلس اسلامی و مسئول تبلیغات و فعالیت‌های "فرهنگی" حکومت را در وب لاگ ایشان پیدا کردم. مهاجرانی اینطور نوشته بود "... مثل همه ما که در برابر کشتار جوانان در سال ۱۳۶۷ ساکت ماندیم. گمان می کردیم شرایط جنگ و تهدید خارجی می تواند مجوزی برای چنان جوان کشتی باشد، که در تاریخ ما کمتر نظیری برای آن می توان یافت.. فقط همین و یک عالمه تعریف و تمجید از منتظری و سایر آیت الله های ناراضی. کل حرف مهاجرانی در مورد کشتارهای دهه شصت همین جمله معترضه در میان یک بحث دیگر بود. کسی که از ابتدای

اجتماعی و جنبش انقلابی ای است که در جامعه جریان دارد. اما بهرحال و بهر دلیل هرکس که میخواهد امروز یا فردا صفتش را از حکومت جنایت و توحش جمهوری یا حتی بخشی از سیاستهای آن جدا کند، مردم قطعا استقبال میکنند. اما اینکه در چه موقعیتی در حکومت بوده است و این گام را چه زمانی برداشته است و با چه صداقت، یا لکننت و حساسیتی حرف زده را نمیتوان نادیده گرفت. ایشان را تهدید به محاکمه نمیکنم چون آنقدر جک و جانور فعلی و حی و حاضر هست که جک و جانوران سابق شاید نوبت محاکمه شان هم بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی نرسد. اما اگر آقای مهاجرانی میخواهد پایش را از خانه اش بیرون بگذارد و مثل چند سال پیش در لندن توسط مخالفین حکومت محاصره و هو نشود (که فکر نمیکنم ایشان فراموش کرده باشند)، باید با دست و دل بازی بیشتری از جنایات و اقدامات حکومت پرده بردارد. این یک کار از دست امثال مهاجرانی خوب بر می آید. بشرطی که اول تصمیمشان را بگیرند، و صفشان را بطور جدی از یاران سابقشان جدا کنند.*

قطع یارانه ها، تعرضی که باید پاسخ بگیرد



شهلا دانشفر

روز ۱۹ مهر سرانجام کلیت لایحه ۱۴ ماده‌ی جنجالی‌ای که حکومت آترا "هدفمند کردن یارانه‌ها" نام نهاده به تصویب مجلس رسید. لایحه‌ای که هدفش حذف یارانه‌های حامل‌های انرژی از جمله آب، برق، بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، و سپردن قیمت‌ها به بازار و تحمیل فقر و بدبختی و گرانی بیشتر به جامعه است. البته برای انداختن این طرح به جامعه وعده پرداخت ماهانه

۱۱۰ هزار تومان به خانواده‌های ۵ نفره بقول خودشان در دهک‌های پایینی داده شده است. در مصاحبه‌های مطبوعاتی‌شان نیز، اسم شوک توری را که دو سال است دارند در موردش صحبت میکنند، به "شیب ملایم افزایش قیمت‌ها" تبدیل کرده‌اند، تا بلکه از زیر بار اعتراضات در برونند. به این معنی که آمده‌اند شوکی که قرار بود ظرف سه سال به جامعه وارد کنند، زمانش را به ۵ سال کش داده‌اند. تا بقول خودشان یکباره باعث تورم شدید نشود. اینکه این حکومت عمر منحوسش سه سال و پنج سال ادامه یابد، البته بطور جدی زیر سوال است. طبیعا در کل این ماجرا، ۲۰ میلیارد تومان از جیب مردم روانه خزانه دولت خواهد شد و در واقع لب مطلب نیز همین است. میلیاردها پولی که به جیبشان زده‌اند، کافی نیست، پولهای میلیاردی که از خزانه دولت ریخته شده و میلیاردهایی که هرروز بجیب گشادشان میریزند کافی نیست، حالا همه باهم نشسته‌اند و طرح تهاجمی دیگری به زندگی و معیشت مردم را در دستور اجرا گذاشته‌اند. اما هنوز از جلسه مجلس بیرون نیامده‌اند، که اختلافات و هراسانان از گسترش اعتراضات مردم نمایان است. از جمله نمایندگان مخالف لایحه با اشاره بر اینکه قیمت‌ها براساس "قوب خلیج فارس" رقمش تعیین میشوند، اما دستمزد کارگران بر اساس شاخص‌های اقتصاد داخلی شکل میگردد، نسبت به افزایش شدید قیمت‌ها و بحران آفرین بودن آن ابراز نگرانی کرده و طبق معمول با فلسفه اینکه سر را باید آرام برید، بر کاهش شیب افزایش قیمت‌ها تاکید داشتند.

اما واقعیت اینجاست که رژیم‌ی که امروز از سوی کل جامعه به چالش کشیده شده است، شعار مرگ بر دیکتاتور هر شب و هر روز در پشت بامها و در مقابل زندانها و در اعتراضات در دانشگاه و در خیابان سر داده میشود، چقدر میتوانند با طرح‌های اقتصادی جولان دهد. حکومتی که از تارکش تا پایین ترک برداشته و سران آن اینچنین به جان هم افتاده‌اند، چند صباح دیگر خواهد توانست با چنین طرحهایی بقای خود را حفظ کند؟ خیر، مردم تصمیم خود را گرفته‌اند و امان نخواهند داد.

تصویب طرح یارانه‌ها، آنهم در

شرایطی که خیزش انقلابی مردم هر روز عمق بیشتری مییابد، مردم حق و حقوق خود را مطالبه میکنند، فرصتی دیگر است برای اینکه با خواستههایی چون افزایش فوری دستمزدها، در گام اول یک میلیون، پرداخت فوری تمامی دستمزدهای پرداخت نشده و خسارت دیر کرد پرداخت آن، بیمه مکفی برای کارگران بیکار، بیمه‌ای در حد یک زندگی انسانی و دیگر خواستههایمان جلو بیاوریم و متحد شویم و امان ندهیم. بگوئیم که دولت در قبال هزینه درمان و تحصیل و معیشت جامعه مسئول است. بگوئیم که بهداشت و درمان باید رایگان باشد. تحصیل باید رایگان باشد. بگوئیم باتوجه به بالا رفتن هر روزه قیمت‌ها، دولت موظف است به کالاهای اساسی سوسیدد بپردازد. و فریاد بزیم کوتاه نمی‌آییم و بساط دزدی و جنایتان را جمع میکنیم. بدین ترتیب صف اعتراض و مبارزه مان را فشرده تر کنیم. جمهوری اسلامی باید برود. این خواست کل جامعه است. طرح "هدفمند کردن یارانه" هایشان را بر سرشان خراب کنیم.*

سپاه مافیا

یاشار سهندی

معمولا کسانی که کارنامه قابل تعریفی ندارند دوست دارند و تلاش میکنند تاریخ را از زمانی بنویسند که خودشان از خواب بیدار شده‌اند. یا فکر میکنند بیدار شده‌اند! محسن سازگارا یکی از آنهاست. "دکترسازگارا" یا همان پاسدار سازگاری سابق، کسی که پنیان ماشین کشتاری به نام "سپاه پاسداران" را گذاشته و هنوزهم که هنوز است بر کار خود احسنت میفرستد، در برنامه تفسیر خبر صدای امریکا در مورد سپاه پاسداران اینگونه اظهار نظر کرد: "حالا شده قاتل". همه کس میداند که آن سپاه پاسداران "شکیل" چه کارنامه نا شکیل و خونینی دارد. این "نهاد" از همان ابتدا بدین خاطر بنیاد نهاده شد که با دست زدن به جنایت جلوی مردم انقلابی را بگیرد و از همان اول از اختیارات بی حد و حصری برخوردار بود تا به هر شکل ممکن

بازتاب هفته

دست به سرکوب انقلاب ۵۷ بزنند. از کشتارهای معروف اولیه آن میتوان به سرکوب خونین شوراهاى ترکمن صحرا اشاره کرد و به قتل و عام مردم در کردستان اشاره داشت و از همان دوران که "شکیل" بود تا اکنون میشود یادآور شد که این نهاد در همه شهرهای ایران دستگاه شکار بیرحمانه و خونین انقلابیون و مردم معترض بوده است.

این سازمان نقشی بسیار فراتر از یک دستگاه روتین نظامی سیستم سرمایه داری که کارش سرکوب و حفظ نظم حاکم است، دارد. این بخش مسلح دستگاه مافیایی ای به نام "جمهوری اسلامی" است. این نهاد بعد از جنگ ایران و عراق سهمش را از غارت ثروت جامعه میخواست و در این زمینه هم اختیارات بی حد و حصری برخوردار شد. "قرارگاه خاتم الانبیا" بخشی از این تشکیلات است که برای سازماندهی سهم خواهی از غارت شکل گرفت. در واقع یک نوع تقسیم غنائم است، که سپاه روز به روز سهم بیشتری میخواهد. "قرارگاه خاتم الانبیا" اسم با مسمایی است. صفت "خاتم الانبیا" منشا آن برمیکردد به محمد، پیامبر دین اسلام که در مقابل اعتراض مردم به یک عمل ایشان که برای عامه مردم "فعلی حرام" محسوب میشده فوری آیه از انباش بیرون میکشید که: همانا ما آخرین رسول هستیم و به هر کاری توانا هستیم! عمل این قرارگاه (که خود کلمه "قرارگاه" یادآور یک دستگاه نظامی است تا اقتصادی) بی شباهت به رسول خدا نیست که به هر کاری خودش را توانا میدانند و به هیچکس هم پاسخگو نمیدانند. شیوه کار این نهاد در امور اقتصادی کاملاً مافیایی است. در یک مورد برای اینکه شرکتی را بالا بکشند برای مدیر عامل آن پرونده قضایی ساختند تا او رضایت دهد از شرکت خود چشم پوشی کند. نام آن شرکت "اورینتال اویل" بوده است و ارزش دارائیهای این شرکت ۹۰ میلیون دلار بوده که با ادغام آن در "قرارگاه" آنرا بالا کشیدند. بر عرصه هایی مانند آب رسانی، صدور نفت و گاز، پروژه های سدسازی و انتقال آب و نیرو و راه سازی و اخیراً مخابرات چنگ انداخته است. آخرین خبر که

دستگاههای پخش پارازیت عامل بیماریهای خطرناک



محمد شکوهی

بنابراین اظهارات مقامات وزارت ارتباطات و کمیسیون امنیت ملی رژیم و برخی کارکنان شرکت مخابرات در سه ماهه سال جاری، یعنی درست در اوج اعتراضات و مبارزات مردم بر علیه رژیم پخش پارازیت ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته است. بر اساس اخبار و اطلاعات بدست آمده شرکت "صا ایران" از زیر مجموعه شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران در هماهنگی با وزارت پست و تلگراف و شرکت مخابرات ایران از جمله ارگانهای حکومتی هستند که اقدام به این کار کرده اند. در همین رابطه شرکت های نامبرده سیستم های پخش پارازیت مجهز روسی که به تازگی خریداری شده و در جنگ های مدرن الکترونیک برای اختلال در رادارها استفاده می شود، را به کار گرفته و شرکت "صا ایران" با ایجاد تغییراتی در این سیستم به قدرت بالایی برای ارسال امواج دست یافته است که پخش گسترده پارازیت روی ماهواره ها را امکان پذیر کرده است. در مورد پیشینه پخش پارازیت بر روی ماهواره ها لازم به توضیح است که، پخش پارازیت در تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور به طور گسترده از سال ۱۳۸۱ آغاز شد. در این سال دستگاه های پارازیت از کمپانی اریکسون خریداری شد و بطور آزمایشی یکی از دستگاه های مجهز

تولید پارازیت بر بالای برج میلاد تهران نصب شد. همچنین برخی اخبار حاکی از آن است که علاوه بر مراکز ثابت ارسال پارازیت، تعدادی واحدهای سیار که توسط کامیونت حمل می شوند، نیز در ارسال پارازیت در تهران و شهرهای بزرگ کشور نقش دارند. گزارشها حاکی از آن است که هم اکنون هفت ایستگاه پخش پارازیت در تهران فعال می باشد. در این میان بویژه در تهران حدت و شدت این امواج بی سابقه و از نظر سلامتی مردم بسیار خطرناک میباشد. این روزها تعداد زیادی از مردمی که برای معالجه به پزشک مراجعه کرده اند، پزشکان علت مریضی و اختلالات روانی، ناراحتی های شنوایی و امثالهم را در اثر قرار گرفتن در معرض امواج پارازیت روی ارگانسیم بدن ذکر کرده اند.

گزارشات پزشکی علائمی نظیر گیجی و خستگی، ناشنوایی مزمن، التهابات و سرطان های پوستی، خونی، نخاع و اختلالات هورمونی (عقیم شدن مردان) و مشکلات باروری (در خانم های باردار) بویژه افزایش آمار سقط جنین از جمله مواردی هستند که از احتمال بروز آنها در انسان بر اثر این امواج خبر می دهند. در این میان برخی نشريات و روزنامه ها از حدود ۳ هفته پیش اخبار و گزارشاتی را در باره خطرات و عواقب پارازیت به چاپ رسانده و به این ترتیب در سطح وسیع تری توجه ها به موضوع پخش پارازیت ها در سطح جامعه جلب گردید. طبق روال همیشگی مسئولان و مقامات رژیم ضمن تأکید بر "ضرورت" پخش پارازیت برای مقابله با "تهاجم ماهواره ای" بی شرمانه به دفاع از این ابزار سانسور و سرکوب پرداخته و در صد توجیه اقدامات حکومت بر آمده اند. اما با گسترش نگرانی و اعتراضات مردم، پارازیت نیز به موضوعی برای جدال و کشاکش درونی حکومت تبدیل شده است. برخی دست اندرکاران نهادهای حکومتی و اعضای "کمیسیون بهداشت مجلس" اسلامی به وجود پارازیت های خطرناک به نحوی اعتراف کرده اند و میگویند دولت باید کاری بکند. صابر فیضی،

مدیرعامل شرکت مخابرات میگوید: فرکانس های پارازیت های ماهواره ای دارای طول موجی بیش از یک گیگا هرتز هستند که از سوی دستگاه های دیگری ارسال می شود. فیضی اما اشاره ای به این "دستگاه های دیگر" نمی کند و میگوید در این مورد باید از وزارت ارتباطات و فناوری و مقامات مسئول سوال کرد. بدین ترتیب او رسماً و علناً این اقدام را تأیید می کند. مسعود پزشکیان عضو کمیسیون بهداشت مجلس در این باره می گوید: "متأسفانه پخش پارازیت به صورت کاملاً بی ضابطه ای صورت می گیرد و در این خصوص به تنها چیزی که توجه نمی شود سلامت شهروندان است. از نهادی که مسئول پخش پارازیت برای مختل کردن ماهواره ها در شهر تهران است خواهش می کنیم به عواقب جدی این امواج مخرب بر سلامت شهروندان تهرانی توجه داشته باشد" انوشیروان محسنی عضو کمیسیون بهداشت نیز میگوید "جالب اینجاست که وزارت ارتباطات می گوید در این رابطه مسئولیتی ندارد و معلوم نیست چه کسی باید پاسخگو باشد." در این میان موضع محمد کرمی راد عضو کمیسیون امنیت ملی رژیم که به دفاع از این سیاست سرکوب و سانسور اشاره دارد، لب مطلب را ادا کرده است. این شخص بی شرمانه می گوید: "آنچه که در انتخابات اخیر شاهد آن بودیم، جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران با ابزارهای پیشرفته و جدید و همچنین سوژه های متنوع بود. دشمن از هر منفذی برای ورود به افکار عمومی مردم ایران استفاده می کند. اسناد و اعترافات انجام شده نشان می دهد که بخشی از فرافکنی های دشمنان از طریق سایت ها و تلویزیون های ماهواره ای انجام می شود و باید مانع این اقدامات شد هر چند لازم است که در کنار اقدامات پیشگیرانه، از سیستمی برخوردار باشیم که حرفهایمان را به روزتر و در ابعاد گسترده تری به گوش جهانیان

بازتاب هفته

برسانیم. هر کشوری باید سیاست صحیح و اصولی در برابر تهاجم اخبار نادرست داشته باشد. فیلتر و پارازیت حق طبیعی کشور ما برای دفاع از حریم‌های فرهنگی است. این اقدامات می‌تواند در شرایط بحران خیزاز فتنه و کودتا علیه نظام پیشگیری کند.

آورد است. اما نه سرکوب و سانسور، نه زندان و اعدام و شکنجه، نه پخش پارازیت در کنار انواع و اقسام شیوه‌های سرکوب و وحشیگری رژیم نتوانسته مردم را مرعوب نماید. مردم مثل همیشه همه این سیاستها را دور زده و رژیم را آچمز کرده‌اند. آنچه روشن است و باید به حکومتیان یادآوری کرد اینست که کلا دوره سانسور و بستن مرزها در برابر ورود و خروج اخبار و ایده‌ها و نظرات گذشته است. نه فقط به دلیل تکنولوژی بسیار پیشرفته ارتباطاتی که باعث شده است از درود یوار اطلاعات در تمام شبانه روز عبور کند، بلکه به دلیل وجود میلیونها مردمی که فعالانه دست به کار به زیر کشیدن حکومت شده‌اند و تشنه خبر دادن و خبر گرفتن هستند و راههای آنرا پیدا کرده‌اند و پیدا میکنند.*

پخش پارازیت روی امواج رادیو و تلویزیونهای مخالف رژیم بخشی از پروژه سانسور، سرکوب آزادی بیان، نشر افکار و عقاید و دسترسی به اطلاعات و اخبار آزاد و بی طرف می باشد. بی اعتمادی عمیق مردم به حکومت و بخشا مخالفت با حکومت روی آوری گسترده و میلیونی مردم به مدیای خارج حکومت را برای دسترسی به اخبار تبدیل به امری روزمره شده است.

جمهوری اسلامی با تقویت بی در پی دستگاههای پخش پارازیت، دارد جنایت دیگری علیه مردم انجام میدهد. پخش پارازیت، ایجاد اختلال در دسترسی مردم به رسانه های بی طرف، پروژه جمع آوری آنتن های بشقابی، و... بخشی از اقدامات مذبحخانه حکومت برای مقابله با دسترسی مردم به اطلاعات و اخبار می باشد. همه گیر شدن گرایش عمومی به تلویزیون های مخالف رژیم در این میان و نقش و جایگاهی که در پخش اخبار و گزارشات رویدادهای مبارزاتی مردم بویژه در سه ماهه گذشته داشته‌اند، دلایل ترس و وحشت حکومت را فراهم

که ای وای پس این گشت ارشاد کجا بوده که دیده‌اند در یکی از میادین شهر قم عروسی بی حجاب رقصیده است؟ تن آقا لرزیده و بالاخره مجال یافته موقوف را با مجمع روحانی مجلس در میان بگذارد. و برآستی حق هم دارد. چند روز قبل دختری روسریش را در تهران برداشته بود و راست راست در خیابان راه میرفت و امروز در قم يك عروس در خیابان بدون حجاب اسلامی رقصیده است. عجباً رقص!!! آنهم بی حجاب؟ در یکی از میادین ام القرای اسلام؟



ضد انسانی اسلامیشان با مخالفت آشکار و نهان جامعه ی انقلابی مواجه شد، از هیچ جنایت و کشتار و تجاوزی دریغ نکردند تا اسلام عزیز و جمهوری کثیف اسلامیشان را در مقابل مردم بجان آمده که به این نظام توحش و بردگی علیرغم سرکوب و خفقان شدید قرون وسطائی تمکین نمیکنند را از سقوط محتوم آن حفظ کنند.

موضوع از اینقرار است که بنا به گفته ی محمد تقی رهبر، آیت الله مکارم شیرازی (سلطان شکر) در دیدار با هیات رئیسه "مجمع روحانی مجلس" فغان و واسفا سر داده است

بله دقیقاً! البته گلایه های آقا بهمینجا ختم نمیشود چرا که او از بی توجهی به مسائل فرهنگی در جامعه و گسترش چنین فضائی که ذهن علیل او از آن بعنوان "فضای فحشا" نام میبرد را باید به دغدغه های او افزود.

برآشفتگی مکارم شیرازی و ضدیتش با جامعه و مردم دلیل دیگری هم دارد. آنگونه که در رسانه ها آمده است. ایشان نسبت به بی توجهی مردم به جایگاه مرجعیت هم توصیه هائی فرموده‌اند.

اما دیگر نه "توصیه" به

مسئولین و در اینجا مجمع روحانی مجلس و نه سرکوبگری های امثال "گشت ارشاد" و سایر ارگانهای سرکوب و تجاوز و جنایت نظام اسلامی تحت امر آقا و نه وحدت پس از انتخابات کارساز نیست. بنابراین آقا از لزوم توجه به مشکلات اقتصادی مردم بعنوان مفری برای اعاده ی وضع سابق نام میبرد. اما مردم با دست بردن به انقلاب تمام آزادی و برابری و حقوق انسانی خود را مطالبه میکنند. مردم بنا به اعتراف این آیت الله دیگر نمیخواهند زیر بیرق اسلام و جمهوری آن زندگی کنند. يك پیام مهم رقص عروس بی حجاب در قم یعنی اینکه انقلاب علیه رژیم زن ستیزیخ گوش آیت الله ها جریان دارد. یعنی اینکه حجابتان و نظامتان را نمیخواهیم. دست به دامان شدن آیت الله به "گشت سرکوبگر ارشاد" توسل به

ابزار است که دیگر در مقابل با مردم بجان آمده کارائی ندارد. دیر نیست روزیکه زنان با حجاب بر گیران و رقص و پایکوبی در کنار مردان اعم از پیر و جوان در تمامی میادین شهر ها و روستا ها و از جمله قم پیروزیشان را بر بربریت و توحش اسلامی هر چه با شکوهتر جشن بگیرند و حکومتی انسانی متضمن وسیعترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی را بر ویرانه های این نظام نکبت بار بر پا کنند.*

رقص عروس بی حجاب در قم و لرزش پایه های حکومت

اکبر پویا فرد

یک اتفاق ساده و در عین حال مهم در ام القرای اسلام و در جوار چاه

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر"

برنامه حزب کمونیست کارگری

کمک مالی به کانال جدید

۲۰۰ دلار	علی از امریکا
۱۵۰ دلار	فروغ ارغوان
۱۵۲۰ دلار	اعضای حزب در امریکا
۳۰ دلار	حسن گلزاری
۱۰۰ یورو	حمید رحیم پور
۵۰ یورو	منوچهر ژندی فر
۳۰ یورو	روزبه اسماعیلی
۳۰ یورو	مرتضی بیگلری
۱۰ یورو	رامین تقی پور

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تشییت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند. مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

کانال جدید به هات برد بازگشت

کانال جدید پس از دو ماه و نیم توقف از امروز پخش برنامه های خود را روی فرکانس 11470 در هات برد 8 آغاز کرد.

کانال جدید روز 5 مرداد (27 ژوئیه 2009) درست در اوج فعالیت خود و در حالیکه به یک رسانه محبوب و بسیار توده ای تبدیل شده بود، بدلیل فشار پارازیت جمهوری اسلامی، از طرف کمپانی هاتبرد قطع شد و بدینترتیب پس از دو سال پخش برنامه از هاتبرد میلیونها بیننده از دیدن برنامه های خود محروم شدند. تلاش بی وقفه ما برای بازگشت به هاتبرد بالاخره به سرانجام رسید و از امروز بیستم مهرماه مجددا شروع به کار کرد.

خبر بازگشت کانال جدید را باید فوراً به همه اطلاع داد و تردیدی نداریم که علاقمندان بیشمار کانال جدید این خبر را با شور و شغف بسیار به سرعت در سراسر کشور پخش خواهند کرد و این واقعه را بعنوان یک نقطه قدرت مهم خود در مبارزه علیه حکومت نکبت اسلامی جشن خواهند گرفت.

کانال جدید

20 مهرماه 1388، 12 اکتبر 2009

مشخصات کامل کانال جدید به این شرح است:

تلفن های تماسی:

۰۰۱۵۰۵۳۳۳۴۱۷۴

۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

Hot Bird 8

13 degrees East

Transponder Number: 14

Frequency: 11470 MHz

Polarity: Vertical

Symbol Rate: 27500

FEC: 5 / 6

هات برد ۸

۱۳ درجه شرقی

ترانسپوندر ۱۴

فرکانس ۱۱۴۷۰ مگاهرتز

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

www.newchannel.tv

تجمع اعتراضی کارگران خباز شهر سقز

کار، خواست افزایش دستمزد سال ۸۸ را به اداره کار ارائه دهد.

کمیته کردستان حزب از تجمع و اعتراضات کارگران خباز شهر سقز قاطعانه حمایت می کند و از همه کارگران خبازیهای سقز می خواهد که همچنان برای رسیدن به خواستههای خود، مجمع عمومی خود را بطور منظم برگزار کنند و تلاش کنند نمایندگان و مسئولین سندیکا را خود انتخاب کنند. تنها با اتکا به تصمیمات مجمع عمومی و اعتراض متحد و یکپارچه است که می توان حق و مطالبات خود را از حلقوم کارفرمایان و دولت حامی آنان بیرون بکشیم.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

۲۳ مهر ۸۸ - ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹

خود بوده اند اما سندیکا، کارفرما و نمایندگان سندیکا با همکاری اداره امور اجتماعی، بعد از گذشت هفت ماه هنوز به خواست کارگران مبنی بر



افزایش دستمزد آنان تن نداده اند. این در حالی است که کارگران در آخرین جلسه مجمع عمومی خود بر این مسئله پا فشاری کردند که باید سندیکا رای و نظر مجمع عمومی، بنا بر اصل ۱۴۲ قانون

روز چهارشنبه ۲۲ مهرصدا نفر از کارگران خباز شهر سقز در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهایشان در مقابل اداره کار تجمع اعتراضی برپا

کردند. کارگران خبازیهای سقز تهدید کردند که در صورت عدم افزایش دستمزد ها، کار را متوقف و نانوائی ها را تعطیل خواهند کرد. کارگران اعلام کردند که بارها به شیوه های مختلف خواهان افزایش دستمزدهای

صدای زندگی در میدان ترافالگار گزارشی از جلیل جلیلی



داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار میشوند" "جوانان بخاطر اعتراض به محدودیتهای اجتماعی و بخاطر رعایت نکردن قوانین اسلامی اعدام میشوند"

"اگر فردا یک روز عادی و روز استراحت برای شما است، ولی برای بهنود این روز میتواند روز پایان زندگی اش باشد" "ایران زیر حکومت اسلامی بالاترین سطح اعدام نسبت به جمعیت اش را دارد" "ما از دولت انگلیس و تمام دولتها میخواهیم که ارتباطشان را با حکومت اسلامی ایران قطع کنند و از حمایت از قاتلین مردم ایران دست بردارند" "ما از شما مردم آزادیخواه انتظار داریم که به صدای آزادیخواهی

در جواب به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام، تعدادی از آزادیخواهان و مخالفین اعدام در یک حرکت سمبولیک صدای اعتراض علیه اعدام و صدای اعتراض علیه احکام اخیر اعدام در ایران را به گوش مردم رساندند-



است که در سخنرانی سخنرانان متعددی از جمله جلیل جلیلی، شیوا محبوبی، بهار میلانی، پتی دبنیتو، سعید پرتو و رضا مرادی تکرار شدند. عکسهایی از اعدام شدگان در ایران و محکومینی که منتظر اعدام هستند به نمایش گذاشته شد و صدها نفر از مردم با امضای طومار و ابزار احساسات شان حمایت خود را از صدای آزادیخواهان مردم و اعتراض خود را علیه اعدام ها در ایران نشان دادند.*

مردم ایران ندا دهید" سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران میتواند موجب افزایش امنیت در جهان شود" "باید جمهوری اسلامی ایران را زیر فشار بین المللی مجبور به توقف اعدام ها و پایان دادن فوری به احکام اعدام کرد" "با امضا کردن طوماری که بالای آن نوشته شده است، اعدام ها را در ایران متوقف کنید، اسامان را در تاریخ مبارزه علیه اعدام ثبت کنید" اینها گزیده هایی از جملاتی

۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه به تحمل حبس تعلیقی و تعزیری محکوم شدند

شده برای همکارانشان و احکام زندان برای آنان وادار کنند، بلکه خواهند توانست صف مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی از زندان و باز کردن درب زندانها را قدرتمند تر سازند.

احکام صادر شده برای کارگران نیشکر هفت تپه باید لغو شود زندانی سیاسی آزاد باید گردد مرگ بر جمهوری اسلامی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۲۱ مهر ۱۳۸۸ - ۱۳ اکتبر ۲۰۰۹
<http://free-zendani-seyasi.blogspot.com/freepoliticalprisoners@googlegmail.com>

کارگران نداد. هم اکنون احکام زندان موضوع اعتراض این کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه در طول مبارزاتشان، اعتراضات با شکوهی در حمایت از رهبران و نمایندگان خود و در حمایت از تشکلشان داشته اند. دو سال قبل نیز هنگامیکه نمایندگان آنان را دادگاهی میکردند با مارش با شکوه خود و با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، توانستند دادگاه جمهوری اسلامی را متوقف کنند. اکنون نیز تنها با اعتراضات و تجمعات خود و با جلب حمایت وسیع مردم شهر و منطقه و خانواده های کارگران میتوان جلوی این تعرض را گرفت. باید وسیعاً به این احکام اعتراض کرد. باید خواهان لغو پرونده های تشکیل شده برای کارگران نیشکر هفت تپه و احکام صادر شده برای آنان و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیرشدگان اخیر و زندانیان سیاسی از زندان شد. ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه به همراه خانواده ها و با جلب حمایت وسیع کل جامعه، نیروی وسیعی هستند که میتوانند نه تنها جمهوری اسلامی را به عقب نشینی و لغو پرونده های تشکیل

به گزارش ۲۰ مهر ۸۸ ایلنا، رضا رخشان از اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از تشکیل دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی، برای ۵ نفر از کارگران این کارخانه به اسامی علی نجاتی، فریدون نیکوفر، قربان علی پور، جلیل احمدی و محمد حیدری پور خبر میدهد. این کارگران بخاطر مبارزاتشان در سال ۸۶ در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و دیگر مطالباتشان و بخاطر تلاش برای ایجاد تشکل خود، سندیکای نیشکر هفت تپه به احکام زندان محکوم شده اند. به گفته رضا رخشان هر کدام از این کارگران در مجموع به یکسال حبس تعلیقی و تعزیری محکوم شده اند. بر این اساس برای ۵ نفر اول ۶ ماه حبس تعزیری و ۶ ماه حبس تعلیقی و برای محمد حیدری پور چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی حکم صادر شده است.

بنا به گزارشها روز ۱۸ مهر، کارگران این کارخانه در اعتراض به این احکام دست به تجمعی اعتراضی زدند که مدیریت شرکت به بهانه کمبود نقدیگی، پاسخی به اعتراض

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

11 شب بوقت اروپای مرکزی

5 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.

